



یادداشت

عدم همراهی مردم با تجاوزگران خارجی، به معنی حمایت از رژیم نیست

صادق کار



علی خامنه‌ای رهبر مستبد و ستمگر رژیم اسلامی که در دوران رهبری خود فجایع زیادی را بر کشور و مردم تحمیل کرده، روز گذشته در اولین سخنرانی خود که بعد از برقراری آتش بس برای عده‌ای از اعوان و انصار حکومت ایراد کرد، عدم همراه شدن مردم با درخواست متجاوزان اسرائیلی، امریکایی و وارث دیکتاتوری سلطنتی برای براندازی رژیم را به حساب حمایت مردم از رژیم خود قرار داد و سعی کرد با فریبکاری آن را وارونه نموده و به حساب حقانیت و مشروعیت رژیم خود جا بزند.

این تلاش مذبوحانه در شرایطی انجام می‌گیرد که بیزاری از رژیم درمانده، فاسد و سرکوبگر اسلامی تا قبل از تجاوزات خارجی به کشور در اوج خود بود و دامنه مخالفت با رژیم حتی به میان بخش قابل توجهی از وابستگان به قدرت که فهمیده بودند وضع رژیم قابل دوام و حمایت نیست رسیده بود. به همچنین اعتراضات گروه‌های اجتماعی مختلف علیه سیاست‌های رژیم یک پدیده همه روزه و فزاینده بود و کشور در محاصره بحران‌های مختلف بویژه بحران اقتصادی و سیاسی قرار داشت.

جنگ ۱۲ روزه نه تنها از بیزاری مردم از رژیم نکاسته است و بحرانها را تعدیل نکرده است بلکه بر آنها دامن زده و فشارهای تازه‌ای را بر فشارها و بحرانهای پیشین افزوده است. بنا بر این در واقع امر تغییری بنیادین در رویکردهای جامعه نسبت به رژیم رخ نداده است که باعث مباحثات سران رژیم بشود.

اصل خواست مردم که سرنگون کردن رژیم است تنها با این تفاوت که مردم می‌خواهند این امر بدون دخالت کشورهای خارجی و به دست خودشان انجام بگیرد رخ نداده است.

خامنه‌ای البته از نعمتی که اسرائیل و امریکا به بهای زدن ضربات سنگین به کشور در اختیارش گذاشتند حق دارد خشنود باشد و مانند خمینی جنگ را برای خودش به رغم همه ی خساراتی که بر کشور وارد نموده است، نعمت تلقی کند که در بحرانی ترین شرایط به لطف ترامپ و ناتانیاهو برای او فرصتی ایجاد کرد تا به بهانه آن سرکوب مخالفان خود را تشدید کند و به نام مبارزه با نفوذ و جاسوسان خارجی، عده دیگری از جوانان مبارز را از دم تیغ بگذراند و اگر بتواند درنگی در رشد شتابان اعتراضات بوجود آورد.

عدم همراهی و نه قاطع و هوشیارانه مردم به تجاوزگران خارجی که کارنامه سیاهی در جنایت و زورگویی و تجاوز به ملت‌های دیگر دارند، البته نمی‌تواند مورد تحسین نیروهای دمکراتیک و مترقی داخلی که می‌



خواهند بساط دیکتاتوری و ستمگری رژیم اسلامی را بر هم بزنند، قرار نگیرد، این کنش خردمندانه اما گویا به عمد از سوی بانیان رژیم استبدادی و فاسد که مشروعیت خود را مدتهاست میان اکثریت مردم از دست داده و وارونه تعبیر و تفسیر می شود.

آری اگر مردم با وجود بیزاری شدیدی که از رژیم خامنه‌ای داشته و دارند حاضر نشدند با تجاوزگران خارجی که در نیات پلید امپریالیستی و تجاوز گری و جنگ طلبی شان ذره‌ای تردید ندارند همداستان شوند، بخاطر این بود که عملکرد جنایتکارانه ناتانیاهو و ترامپ را در غزه و فلسطین، لبنان و سوریه به چشم دیده اند و می دانستند پیروز تجاوزگران اگر سرنوشت بدتری را برای ایران و مردم از غزه و سوریه و لبنان رقم نزنند، بهتر از این کشورها نخواهد بود.

مردم نمی خواستند و نمی خواهند به قیمت پذیرش سلطه خارجی از شر رژیم استبدادی اسلامی به قیمت افتادن در دام دیکتاتوری سلطنتی دست نشانده اسرائیل خلاص کنند. اما این به مفهوم کنار آمدن با رژیم اسلامی و تحمل آن نیست. بعد از آسوده شدن خاطر مردم از دفع خطر خارجی اعتراضات و مبارزات اجتماعی و سیاسی برای بر چیدن بساط رژیم خامنه‌ای و جلوگیری از تجاوز خارجی با توش توان بیشتری از سر گرفته خواهد شد.

عده دیگری از کارگزاران رژیم نیز پیش از خامنه‌ای دست رد مردم به سینه تجاوزگران خارجی را تلاش کرده‌اند حمایت از رژیم جلوه دهند و نتایج مطلوب خود را از آن بگیرند. همه ی این تلاشها برای این انجام می شود که حواس مردم را از سوی مخالفت با رژیم صرفا بسوی دشمنان خارجی برگردانند و عمر رژیم را طولانی تر نمایند و همراه با آن رهبران و فعالین جنبش های اعتراضی سیاسی و مطالباتی را با سرکوب از میدان به در کنند. تشدید سرکوب خود گویای این واقعیت است که ترس رژیم از مبارزات سیاسی و اجتماعی داخلی است و رژیمی که به مردم اتکا داشته باشد نیازی به سرکوب مردم و اعمال استبداد ندارد.

هم خامنه‌ای و هم بقیه سرکردگان رژیم خوب می دانند که همراه نشدن مردم با تجاوزات اسرائیل و امریکا امری طبیعی و از روی میهن دوستی و تشخیص ماهیت درست متجاوزان است و ربطی به حمایت از رژیم ندارد. مردم بدنبال آزادی واقعی و نظامی دموکراتیک هستند و برای آن ده‌ها سال است که در حال مبارزه هستند و در این میدان آنقدر آزموده شده‌اند که فریب مانورهای مستبدین داخلی و سلطه جویان خارجی را نخواهند خورد. مبارزه با استبداد داخلی و سلطه جویی خارجی با قوت در کشور تا رسیدن به نظامی دموکراتیک و فراگیر ادامه خواهد یافت.

اتحاد رمز پیروزی است!

متحد و متشکل علیه فقر و استبداد برای نان و آزادی!



تحول اندیشه در باره فقر: بررسی تعاملات بخش دوازدهم

Lyn Squire و لین اسکوائر Ravi Kanbur نوشته راوی کانبور



4 توسعه انسانی

4.2 شبکه بدون درز

برای جامعه ای که با وظیفه ارائه خدمات اجتماعی به فقرا روبرو است، ممکن است به درستی این سؤال پیش آید که از کجا باید آغاز کرد. زندگی فقرا در حلقه هایی از دورهای باطل درهم تنیده شده است و به نظر می رسد که دوره های موفقیت آمیز همواره قدری از دسترس دور می مانند. این کیفیت مدتی است که تأکید می کند که "عناصر مختلف (WDR1980) شناخته شده است. مثلاً، گزارش توسعه جهانی سال 1980 توسعه انسانی تعیین کننده های اصلی یکدیگرند"، و از "شبکه بدون درز روابط متقابل [بین عوامل]" سخن می گوید. تلاشهای امروزی برای بهبود عملکرد گذشته در ارائه خدمات اجتماعی اکنون بیش از همیشه از این کیفیت آگاه اند.

برای مثال، بسیاری از مطالعات نشان داده اند که تحصیلات مادر تأثیر مثبت نیرومندی بر سلامت کودکان دارد. اکنون می دانیم که این امر به این دلیل رخ می دهد که تحصیل به مادران امکان می دهد اطلاعاتی را به دست آورند و آن را پردازش کنند. به این ترتیب، مطالعه ای با استفاده از داده های شمال شرقی برزیل در سال 1986 نشان داد که والدینی که منظم از رسانه های جمعی استفاده می کنند، فرزندان سالمتر دارند (بر اساس شاخص قد نسبت به سن). جالب است که هنگامی که متغیرهای مربوط به استفاده از رسانه وارد یک مدل سنجش می شوند، تعداد سالهای تحصیل مادر دیگر تأثیر مستقلی ندارد. یکی از تفسیرهای این نتیجه آن است که تحصیلات برای پردازش اطلاعات از سوی مادر ضرور است، اما دسترسی به محتوای مرتبط از طریق رسانه های جمعی برای آن که تحصیلات اثری بر سلامت کودک داشته باشد، لازم است. مطالعه دیگری با استفاده از داده های مراکش در سالهای 1990 - 1991 نیز این تفسیر را تأیید می کند. مطالعه اخیر به این نتیجه رسید که آگاهی ابتدایی مادر از سلامت، تأثیر مستقیمی بر سلامت کودک دارد و تحصیلات و دسترسی به رسانه، ابزارهایی برای کسب این آگاهی بوده اند.

مطالعات بسیاری نیز نشان داده اند که سلامت بهتر موجب تقویت حضور در مدرسه و عملکرد تحصیلی می شود. با این حال، اغلب این مطالعات از داده های مقطعی و مبتنی بر حافظه استفاده کرده اند. برای غلبه بر این مشکل، مطالعه ای جدید از "داده های متناوب" (داده هایی که وضعیت افراد یا پدیده ها را در چندین زمان مختلف دنبال می کنند و تغییرات آنها را در گذر زمان نشان می دهند) برای بررسی تأثیر سلامت و تغذیه



کودک بر ثبت نام در مدرسه در مناطق روستایی پاکستان استفاده کرده است. برخلاف بیشتر مطالعات دیگر، این داده ها به محققان اجازه داد تا از این فرض احتراز جویند که گویا سلامت و تغذیه کودک از پیش انتخاب و تعیین می شوند، در حالی که واقعیت نشان می دهد که این دو حاصل انتخابهای خانوار اند. برآوردهای محققان نشان داد که سلامت/تغذیه کودک سه برابر بیش از آنچه روشهای مرسوم نشان داده بودند، برای ثبت نام در مدرسه اهمیت دارد. آنان همچنین دریافتند که این اثرات برای دختران بزرگتر از پسران است. اگرچه این مطالعه نشان داد که سلامت و تغذیه بهتر کودک موجب افزایش و بهبود آموزش می شود، اما نکته روش شناختی آن، اعتماد ما به یافته های مطالعات پیشین مبنی بر تأثیر مثبت آنها بر عملکرد تحصیلی را نیز تقویت کرد.

توسعه انسانی و رشد

علاوه بر رابطه متقابل میان جنبه های مختلف توسعه انسانی، پیوندهای مهمی نیز میان توسعه انسانی و ظرفیت درآمدزایی وجود دارد؛ درآمد هم از عوامل تعیین کننده و هم از پیامدهای توسعه انسانی است. شیوه مشخصی که از طریق آن فقرا در رشد اقتصادی مشارکت می کنند، معمولاً از راه افزایش یا استفاده "بهره آورتر" از "فراوانترین دارایی شان"، یعنی نیروی کار است. اما بخشی از ویژگیهای ذاتی فقر - مثل فقدان آموزش، تغذیه و سلامت ضعیف - بر ظرفیت واقعی آنان برای کار نیز اثر می گذارد. برخی از این پیوندها که توانمندیهای فقرا را تقویت یا تضعیف می کنند، می توانند تصویری از تعاملات چندگانه میان توسعه انسانی و رشد به دست دهند. برای مثال، فردی که تغذیه مناسبی دارد، می تواند بیشتر کار کند، در نتیجه درآمد بیشتری کسب کند و بنابراین هم بیشتر مصرف، و هم بیشتر پس انداز کند. این هم به نوبه خود تضمینی برای تغذیه آتی و ظرفیت کاری او خواهد بود. ایضاً فردی که آموزش ابتدایی دیده باشد، می تواند شغلی با درآمد بالاتر بیابد، و این توان را خواهد داشت که فرزندانش را به مدرسه بفرستد.

با استفاده از داده های یک نظرسنجی از 1725 خانوار در کوناکری، گینه، در سال 1997، تأثیر آموزش بر درآمد نیروی کار به تفکیک بخشهای شغلی بررسی شد. از این مطالعه دو نتیجه قابل توجه حاصل شد. نخست این که آموزش موجب افزایش درآمد مردان و زنان در هر سه بخش مورد مطالعه - خوداشتغالی، اشتغال مزدی خصوصی، و اشتغال مزدی دولتی - می شود؛ بنابراین، حتی در مناطق شهری با درآمد بسیار پایین مانند کوناکری نیز، ثمرات آموزش کاملاً مشهود است. دوم این که انتظار می رود بخش غیررسمی (که با بنگاه های کوچک خوداشتغال همپوشانی دارد) یکی از منابع اصلی رشد شغلی در آفریقا باشد. حتی در اینجا نیز، داده ها نشان می دهند که درآمد با افزایش سطح تحصیلات افزایش می یابد. برای نمونه، آموزش ابتدایی موجب افزایش سود ساعتی بنگاه های زنان خوداشتغال به میزان 30 درصد می گردد.

نه به جنگ و استبداد آری به صلح و آزادی

تجاوز دولتهای جنایتکار اسرائیل به ایران را محکوم می کنیم



کارگران دنبال نان، سرمایه داران دنبال بی حقوق سازی مطلق کارگران

صادق



فشار صاحبان قدرت و سرمایه برای بی حقوق سازی مطلق طبقه کارگر و گسترش ابعاد استثمار دم به دم بیشتر می شود. گاهی این فشارها به بهانه بی کفایتی حکومت در تامین انرژی مورد نیاز کارخانه داران، گاه دیگر بخاطر جنگ و قبل از آن نیز به بهانه تحریم، حق بیمه، مالیات، دستمزد، بازنشستگی و غیره مطرح و بواسطه نفوذ سرمایه داران در نهادهای قدرت از یکسو و سرکوب سندیکاها کارگری عملی می شوند

در ماه های پیش از جنگ شاهد رشد روز افزون تعویق در پرداخت دستمزدهای زیر خط بقای کارگران، رد نکردن حق بیمه، عدم اجرای قانون بازنشستگی در کارهای سخت و زیان آور، اخراج های دسته جمعی بودیم. در هنگام جنگ و بعد از آن این تجاوزات به حقوق کارگران این بار به بهانه جنگ تشدید شده است

با وجود اینکه تعداد اندکی از واحدهای صنعتی در اثر جنگ آسیب دیده اند روند پرداخت نکردن به موقع دستمزد ها به بهانه جنگ و رد نکردن حق بیمه کارگران ابعاد بی سابقه ای بخود گرفته و سرمایه داران با استفاده از وضعیت موجود تلاش می ورزند با امتناع از اجرای ته مانده قوانین کار و تامین اجتماعی، آنها را در جهت سود افزایی غیر متعارف خود از میان بردارند

مختصر گفته باشم مناسبات کارگری کارفرمایی در نظام اسلامی در جهت استقرار نظام برده داری به حرکت خود ادامه می دهد و فریاد کارگران در این نظام صد درصد سرمایه سالار به هیچ جا نمی رسد. اکثریت رسانه های جریانات سرمایه داری نیز به اشکال مختلف از برقراری مناسبات برده دارانه دفاع می کنند و آن را توجیه می کنند

دولت، مجلس، شورای نگهبان، مجلس تشخیص، دیوان عدالت اداری، دستگاه قضایی روحانیون بلند مرتبه حکومتی، نیروهای امنیتی و انتظامی، بیدادگاه ها و حتی ادارات کار نیز همگی از این روند حمایت می کنند و برایشان وضعیت زندگی رنجبار کارگران اهمیتی ندارد

همه به فکر راضی کردن سرمایه داران به بهانه دفاع از بخش خصوصی هستند و خودشان هم اگر منفعت مستقیم از این رویکرد اسلامی نبرند، غیر مستقیم اگر در حد چرب کردن سبیل باشد بی نصیب نمی مانند



فقط قوانین نیست که به عصر برده‌داری رجعت داده می شود مناسبات فراقانونی و عرفی نیز در محل های کار به زیان کارگر در حال تغییر و تحول اند. امنیت شغلی بکلی از میان رفته است. کارفرمایان هر گاه که اراده کنند براحتی آب خوردن می توانند کارگر را اخراج و بیرحمانتر از آن با رد نکردن حق بیمه‌ای که از حقوق کارگر کم کرده‌اند، کارگر را از دارو و درمان محروم و یا در آستانه بازنشستگی از بازنشسته شدن کارگر جلوگیری کنند گاهی نیز تنها چند ماه به زمان بازنشستگی مانده کارگر را اخراج می کنند. همه ی این اعمال که جنبه ساختاری دارد بخود می گیرد در راستای برده سازی نیروی کار است

ندادن به موقع دستمزد در شرایطی که دستمزدها چند مرتبه کمتر از خط فقر است، به تنهایی برای مرعوب کردن کارگر در کشوری که کار حکم کیمیا را دارد و آسمان آن همه جا یک رنگ است، برای تحمیل آنچه کارفرما می خواهد کافی است. از لابلای گزارشات سانسور شده کارگری نیز به روشنی می توان به ابعاد ستم همه جانبه‌ای که بر نیروی کار در این کشور اسلامی روا داشته می شود پی برد

با این حال اتحادیه های کارفرمایی به همین حد هم قانع نیستند، مرتب جلسه پشت جلسه تشکیل می دهند تا نارضایتی خود را با دادن گزارشات تحریف شده از وضعیت و تهدید به تعدیل نیرو بیان و هم در درون کارگران هراس از بیکاری ایجاد کنند و به کمک آن ته مانده قوانین را از میان بردارند و هم دستگاه های حکومتی را وادار به تمکین مطلق از خواسته خود نمایند

در این میان تنها خود کارگران هستند که باید برای خلاصی از این جهنم برای خود چاره‌ای بجویند. تجربه حکومت اسلامی به ما آموخته است که با وجود این حکومت وضع کارگر بر خلاف وعده‌هایی که در آغاز حکومت می دادند، نه تنها بهبود پیدا نکرده، بلکه سال به سال بدتر شده است. تشدید استثمار و بی حقوق سازی نیروی کار نتیجه این حکومت است که البته در سایه استبداد و سرکوب توانسته است وضعیت جهنمی را به طبقه کارگر و زحمتکش تحمیل کند. بهمین جهت تا وقتی نظام استبدادی پا بر جاست وضعیت طبقه کارگر باز هم بدتر خواهد شد. بنا به همین دلیل مبارزه برای احیای حق و تامین زندگی شرافتمندانه بدون مبارزه با استبداد ره بجایی نمی برد. مناسبترین راهکار شناخته شده در دنیا برای برخورداری از زندگی بهتر متشکل شدن نه صرفا برای دفاع از حقوق صنفی، بل که همچنین علیه استبداد که باعث از بین بردن حقوق صنفی می شود هم هست

متحد و متشکل علیه فقر و استبداد برای نان و آزادی!

آلمان؛ کنفرانس اتحادیه‌های کارگری علیه نظامی‌گری گسترده





در سومین کنفرانس سراسری اتحادیه‌های کارگری برای صلح که در شهر زالتس‌گیتز و به ابتکار بنیاد رزا برگزار شد، چهره‌های سیاسی، فعالان اتحادیه‌ای و کارشناسان اقتصادی با IG Metall لوکزامبورگ و اتحادیه تاکید بر منطق مخرب نظامی‌گری و تأثیرات آن بر عدالت اجتماعی و سیاست طبقاتی، خواستار پایان دادن به روند شتابزده و پرهزینه تسلیح مجدد آلمان و اتحادیه اروپا شدند.

به گزارش روزنامه «یونگه ولت - دنیای جوان» دیرک هیرشل، اقتصاددان ارشد اتحادیه خدمات عمومی، از منتقدان اصلی منطق سرمایه‌گذاری نظامی بود. او در سخنان خود تاکید کرد که هزینه‌های (Verdi) نظامی برخلاف ادعای سیاستمداران نه تنها مولد نیستند، بلکه سرمایه‌ای مرده به حساب می‌آیند. او گفت: «بر خلاف سرمایه‌گذاری در آموزش یا ساخت زیرساخت که در بلندمدت سودآور است، هزینه‌های نظامی نه بازگشت سرمایه دارند و نه ایجاد ارزش می‌کنند. این مخارج صرفاً منابع را از بخش‌های مولد، از جمله سرمایه و نیروی کار ماهر، منحرف می‌کنند»

رالف اشتگنر، نماینده سوسیال‌دموکرات پارلمان آلمان که به‌خاطر مواضع ضد جنگ خود هدف حملات رسانه‌ای قرار گرفته، در نشست پایانی این کنفرانس بار دیگر از سیاست‌های نظامی‌گرایانه دولت انتقاد کرد. او گفت: «هیچ‌کس نمی‌تواند باور کند با صرف میلیاردها یورو برای تسلیحات و سپس هزینه‌های بازسازی ویرانی‌های جنگ، هنوز جایی برای هزینه‌های اجتماعی باقی بماند.» او تأکید کرد: «پایان دادن به جنگ‌ها باید اولویت نخست آلمان باشد، کشوری که به عنوان سومین قدرت اقتصادی جهان و با سابقه جنگ جهانی دوم مسئولیت تاریخی ویژه‌ای دارد»

در رابطه با جنگ اسرائیل علیه فلسطینی‌ها نیز اشتگنر با اشاره به اصول انسانی گفت: «همه انسان‌ها به‌طور برابر حق برخورداری از کرامت انسانی دارند»

اوله نیموئن، نویسنده و پادکستر جوان، در سخنان خود از استاندارد دوگانه حاکم بر مفهوم همبستگی انتقاد کرد. او گفت: «دولت در زندگی غیرنظامی مردم را وادار به رقابت می‌کند، اما در سیاست نظامی از آن‌ها انتظار همبستگی بی‌قید و شرط دارد.» او پیش‌بینی کرد که بازگشت خدمت سربازی قطعی است و فقط برای یک سال دیگر به‌ظاهر داوطلبانه باقی خواهد ماند. «اکثریت جوانان با شک بیشتری نسبت به نسل‌های گذشته به سربازی نگاه می‌کنند»

از نظر اوزلم دمیرل، نماینده چپ‌ها در پارلمان اروپا، آنچه امروز در بروکسل جریان دارد صرفاً واکنشی به جنگ در اوکراین نیست، بلکه بخشی از یک استراتژی وسیع‌تر برای جایگاه‌یابی مجدد اروپا در نظم جهانی در حال تغییر است. او گفت: «اتحادیه اروپا خود را برای رقابت با ایالات متحده و چین آماده می‌کند. رئیس کمیسیون اروپا، اورزولا فون‌درلاین، قصد دارد طی پنج سال آینده تا ۱۰۰۰ میلیارد یورو برای تسلیحات در کشورهای عضو بسیج کند»

دمیرل با تأکید بر اینکه هدف اصلی اتحادیه اروپا نه مسئولیت تاریخی بلکه «منافع، قدرت، تأثیرگذاری و کنترل منابع» است، گفت: «با سیاست طبقاتی باید با این نظامی‌گری مقابله کرد. چرا که میلیتاریسم همواره به معنای تمایل به گسترش قدرت در خارج و افزایش سرکوب در داخل است»



کنفرانس اتحادیه‌های کارگری برای صلح، با حضور چهره‌های برجسته از طیف‌های مختلف، به صحنه‌ای برای افشای تضاد بین نظامی‌گری و عدالت اجتماعی تبدیل شد. شرکت‌کنندگان با تأکید بر این‌که پروژه تسلیحاتی اروپا نه پاسخی به تهدیدات، بلکه ابزاری برای بازتولید قدرت و سلطه در سطح جهانی است، خواستار بازگشت به منطق صلح، سرمایه‌گذاری در رفاه اجتماعی و تقویت سیاست‌های مبتنی بر منافع طبقه کارگر شدند.

کمیته‌های اعتصاب را در کارخانه‌ها و ادارات تشکیل دهیم!

اتحاد، اعتراض، نبرد تا رهایی!

از مبارزه زنان علیه تبعیضات جنسی و برای برابری حمایت کنیم!

مجلس چهار درصدی ها و سفرهای خالی کارگران

ع امید



افزایش جهشی قیمت مواد غذایی در این روزها به حدی رسیده که تامین نیازهای خوراکی اولیه را بیش از پیش از دسترس اکثریت مزد و حقوق بگیران نیز خارج کرده است. از سوی دیگر فضای جنگی و امنیتی حاکم بر جامعه امکان اعتراض را محدود کرده و کارفرمایان و دولتمردان نیز بجای افزایش دستمزدها مشغول تعدیل آن به شیوه‌های مختلف هستند.

بهر حال قضیه افزایش قیمت‌ها و فشارهای ناشی از آن به مرحله‌ای رسیده که مسئولین حکومتی نیز به جای چاره اندیشی بر حسب مسولیتی که به عهده دارند سعی در انکار یا توجیه آن دارند.



مثلا افزایش قیمت برنج را که به بیش از سه برابر رسیده انکار می کنند و یا آنرا به حساب تقلب و احتکار واسطه ها می گذارند. روز گذشته خبرگزاری ایلنا از در پی تقاضا از مجلس برای افزایش دستمزد به سراغ نایب اول رئیس مجلس رفت تا نظر وی در خصوص افزایش دستمزد برای جبران گرانی ها را جویا شود. علی نیکزاد نایب رئیس اول قالیباف پاسخی به سوال ایلنا داد که برآستی باعث مضحکه است. خبر نگار از قول نایب رئیس مجلس نوشت

علی نیکزاد در گفت و گو با خبرنگار سیاسی ایلنا، درباره این که سفره کارگران کوچک شده است و اقلامی " همچون تخم مرغ و حبوبات از سفره شان در حال حذف شدن است در مورد احتمال ترمیم مزد بر اساس تورم عنوان کرد: قانون زمان مشخصی را گذاشته است همین خرید تضمینی گندم زمان خودش را دارد؛ "تعیین مزد در شورای عالی دستمزد کارگران هم یک زمان مشخصی دارد

پاسخ بی منطق و منفی جناب نایب رئیس حکایت از نادانی و بی شعوری این مدیر بلند پایه حکومتی دارد. اگر از یک بار فروش بیسواد سر میدان چنین سوالی میشد، جواب بهتری از پاسخ نایب رئیس اول مجلس . به این پرسش می داد

انگار نمی فهمد که گرانی شدید از نتایج جنگ است و مقتضای شرایط جنگی چنین پاسخ ابلهانه ای نیست. اگر معیار را پاسخ این آقا قرار بدهیم به این معنی است که کارگران باید بار گرانیهای همه روزه را تا ماه اسفند که موعد به اصطلاح مذاکرات مزدی است به دوش بکشند خواست افزایش دستمزد شان مورد بررسی قرار بگیرند و در این مدت ۷ ماهه مهم نیست چه بر سر شان بیاید

انصافا در زمان جنگ ۸ ساله ایران و عراق نیز سفره های کارگران به اندازه جنگ ۱۲ روزه خالی نبود. دستمزدها کفاف یک زندگی اولیه کارگری را می داد. دارو و درمان تحت پوشش بیمه قرار داشت و سهم کارگر از آن حداکثر ۳۰ درصد می شد، مدرسه رایگان بود، پیداکردن مسکن به اندازه امروز دشوار نبود و کرایه خانه را می شد با دستمزد آن دوره تامین کرد. قیمت دلار در پایان جنگ حداکثر ۱۴۰ تومان بود. سفره ها نیز بکلی از گوشت و مرغ خالی نمی ماند. دستمزد کارگران در کارخانه ها دولتی و بزرگ به موقع و منظم پرداخت می شد و مشکلی بنام رد نکردن حق بیمه وجود نداشت. ۴۴ ساعت کار هم رعایت می شد، ۳۵ درصد بابت اضافه کاری هم پرداخت می شد و از قراردادهای موقت هم اثری نبود، زنان را بخاطر حامله شدن و اضافه کاری اخراج نمی کردند، مسئولین هم هنوز مثل امروز مولتی میلیاردها نشده بودند. همه ی اینها را من خودم در آن دوران تجربه کرده و دیده بودم. فضای سرکوب اما به اندازه امروز شدید بود و بساط بگیر و ببند پر رونق بود. مانند امروز حق تشکل مستقل وجود نداشت، از حق حاعتصاب هم خبری نبود. در هر کارخانه دستکم مانند امروز سه نهاد امنیتی وجود داشت، بسیج، هراست، شورای اسلامی و انجمن اسلامی. محسنات را گفتم و معضلات را اضافه کردم تا بشود تفاوتها و مشابهت ها را از هم تشخیص داد حالا خودتان مقایسه کنید ببینید وضعیت طبقه کارگر در هنگام زمامداری دارودسته خامنه ای و حامیان بازاری و موتئلفه چی او بجای پیشرفت تا چه حد پسرفت کرده است

نایب اول رئیس مجلس شورای اسلامی مجلس شورای گفت: این که پیشنهاد می شود که در دستمزد کارگران با توجه به گرانی اجناس تجدیدنظر شود حرف درستی است، ولی قانون هم وجود دارد و تعیین مزد "در شورای عالی دستمزد کارگران یک زمان مشخصی دارد



نایب رئیس مجلس از آنجا که برخلاف شغل شریف اش به نظر می رسد از قوانین هم سر رشته ای ندارد در مورد قانون افزایش دستمزد نیز اطلاعی فراتر از پاسخ منفی اش به سوال خبرنگار در مورد قانون مربوط به افزایش دستمزد یا ندارد و یا اگر دارد فرافکنی می کند. تاکید و تفسیر مطلق از قانون به سالی یک بار و در یک تاریخ معین درست نیست.

کما اینکه در دو سه سال اخیر هنگام تصمیم گیری گفتند اگر دولت موفق به کاهش تورم نشد در نیمه سال دوباره افزایش دستمزد را بررسی می کنند. البته این کار برای فرستادن کارگران دنبال نخود سیاه بود و هیچ گاه به آن وفا نکردند، ولی نافی چنین ظرفیتی در قانون نیست.

زمان صولتی وزیر کار آخر دولت رئیسی کل قانون لگد مال شد و تصمیم فرا قانونی اخذ شد، با این حال هیچ نماینده مجلس یا دولتمردی هیچ گاه چه به هنگام چه بی هنگام در نظام مدعی عدل علی برای یکبار هم که شده به عدم افزایش دستمزد بر مبنای نرخ واقعی تورم، اعتراض نکرد.

اگر قرار بود مولتی میلیاردرهای حاکم به فکر سفره فقرا باشند که کمیت نظام از اول لنگ می شد. بله همه چیز در این نظام فقهاتی با همه بلبشویی که در آن وجود دارد نظم خاص خود را دارد. مسلم است نیابت ریاست مجلس ۴ درصدی به این سمت برگزیده نشده که دغدغه سفره خالی کارگر را داشته باشد. دغدغه اصلی او تامین نظر و منافع صاحبان قدرت و ثروت است. تا وقتی که این جماعت بر سر قدرت اند، آش همین است و کاسه همان! حالا که رای دادن کارگر و ندان رای جز فلاکت برای طبقه کارگر ندارد تنها راه باقی مانده گرفتن دم این جماعت وحشی و کذاب و پرت کردن آنان از مجلس و نهادهای قدرت و فرستادن شان به کارخانه و مزرعه برای چشیدن طعم ستمی است که خود هنگام داشتن قدرت بر دیگران اعمال کرده اند.



هویت کارگر جانباخته پالایشگاه آبادان مشخص شد

هویت کارگر جوانی که در واحد ۷۰ شرکت پالایش نفت آبادان بر اثر حادثه آتش سوزی جان باخت، مشخص شد.

منابع خبری ایلنا، هویت کارگر جانباخته پالایشگاه آبادان را «احسان آل یاسین» اعلام کردند.



یکشنبه‌های اعتراضی حق مسلم همه بازنشستگان

برای ایجاد تغییر،

برای اصلاح و رفع مشکلات،

برای شنیده شدن صدایمان،

باید متحد شویم و همصدا مطالبات خود را فریاد زنیم

ما بازنشستگان تأمین اجتماعی و دیگر یازنشستگان خیابان را به جایگاه اعتراضی خود تبدیل کرده ایم و تا رسیدن به درمان رایگان، رفاه و معیشت همراه با منزلت، آنرا ترک نخواهیم کرد

مطالبات:

افزایش دستمزد طبق سبد معیشت و خروج از خط فقر با اجرای ماده ۹۶ قانون تأمین اجتماعی -

اجرای قانون الزام درمان و لغو بیمه‌های تکمیلی -

اجرای همسان‌سازی سال ۱۴۰۴ برای بازنشستگان حداقل بگیر -

دست‌ها از بانک رفاه کارگران و شستا کوتاه -

بدهی دولت به سازمان پرداخت باید گردد -

زمان: یکشنبه ۲۹ تیرماه ۱۴۰۴ ساعت ۱۰ صبح

مکان: مقابل سازمان تأمین اجتماعی، تهران، خیابان آزادی

بازنشستگان متحد تهران



طومار کارگران و بازنشستگان قزوین

خواستار بازگشت بانک رفاه هستیم

کارگران و بازنشستگان استان قزوین با امضای طوماری خطاب به نمایندگان مجلس، خواستار بازگشت بانک رفاه به زیرمجموعه تامین اجتماعی شدند.



گروگیری بازنشستگی کارکنان در آستانه بازنشستگی مخابرات

انجمن صنفی مخابرات تهران: حق بیمه فرودین و اردیبهشت را پرداخت کنید! / برخی نیروها در آستانه بازنشستگی هستند

انجمن صنفی مخابرات تهران اعلام کرد از آنجا که تعداد قابل ملاحظه‌ای از همکاران در ماه‌های پیش‌رو قصد بازنشستگی دارند این دلوایسی وجود دارد که با عدم واریز حق بیمه‌ها، حقوق بازنشستگی این کارکنان به طور میانگین حدود ۵۰ میلیون ریال کمتر محاسبه شود.

به گزارش خبرنگار ایلنا، انجمن صنفی مخابرات استان تهران در نامه‌هایی جداگانه خطاب به هاشمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، و پیری، مدیرعامل یکی از سهامداران عمده شرکت مخابرات، خواستار حمایت از نیروهای مخابرات از طریق اعمال فشار بر شرکت مخابرات برای پرداخت حق بیمه فرودین و اردیبهشت ماه کارکنان شده است.



کارگران کمباین‌سازی‌سازی تبریز: بعد از خصوصی‌سازی زمین خوردیم/ کارخانه نیازمند حمایت است

یکی از کارگران کارخانه کمباین‌سازی تبریز در تماس با خبرنگار ایلنا، درباره سیاست‌های ناصواب خصوصی‌سازی در کارخانه کمباین‌سازی تبریز و آثار جبران‌ناپذیر آن بر کارگران گفت: مهمترین مشکل کارخانه کمباین‌سازی تبریز، عدم آشنایی خریدار است. معوقات مزدی و بیمه‌ای از جمله معضلات کارگران کارخانه کمباین‌سازی است که همه این موارد به علت خصوصی‌سازی به وجود آمده است.



اعتراض کارگران کارخانه «فولاد سیادن ابهر» به تاخیر در پرداخت حقوق پابرجاست

شماری از کارگران کارخانه «فولاد سیادن ابهر» به نامشخص بودن وضعیت مطالبات معوقه خود معترض شدند.

یک منبع کارگری در استان زنجان، دلیل اعتراض کارگران کارخانه «فولاد سیادن ابهر» را عدم دریافت حقوق و سایر مزایای دریافتی عنوان کرد.

او با بیان اینکه چندین سال است کارگران این کارخانه از مسئولان شرکت پیگیر پرداخت به موقع حقوق و مزایای خود هستند و هر بار پیگیری مسئولان فقط وعده می‌دهد، اظهار کرد: این وعده‌ها در حالی به کارگران کارخانه «فولاد سیادن ابهر» داده می‌شود که در حال حاضر پرداخت اضافه کاری، حقوق اردیبهشت ماه و حقوق خرداد ماه کارگران این کارخانه به تاخیر افتاده است.



کارگران شهرداری زاهدان حدود ۴ ماه حقوق و مزایا طلبکارند

کارگران فضای سبز شاغل در شهرداری منطقه ۵ شهرداری زاهدان واقع در استان سیستان و بلوچستان، حدود چهارماه حقوق و مزایای مزدی طلبکارند که مربوط به سال جاری است.

به گفته یکی از کارگران شهرداری منطقه ۵ زاهدان؛ ما حدوداً ۷۰ کارگرشرکتی فضای سبز شاغل در شهرداری منطقه پنج زاهدان هستیم که پیمانکار هر از گاهی، بخش کمی از مطالباتمان را به حسابمان واریز می‌کند.

او در گفتگو با خبرگزاری ایلنا، با بیان اینکه دستمزد بسیار ناچیز وقتی با تاخیر چندین ماهه پرداخت می‌شود، هیچ تاثیری در زندگی ما ندارد، میگوید: از دوسال پیش که مطالبات کارگران با تاخیر چندین ماهه مواجه شده است در شرایط معیشتی سختی قرار داریم، به‌طوری‌که کارگران در تأمین مایحتاج روزانه خود ناتوانند.



حسین میرباهی آزاد شد



حسین میربهراری، از چهره‌های پرتلاش، شریف و دلسوز در دفاع از حقوق کودکان کار و خیابان، و از بنیان‌گذاران جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان، پس از ۳۰ روز بازداشت غیرقانونی و تحمل سلول انفرادی، روز گذشته آزاد شد.

چاره کارگران وحدت و تشکیلات مستقل است!

همه با هم برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگری متحدانه مبارزه کنیم!

از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!

از مبارزه کارگران قراردادی و پیمانی برای لغو کار پیمانی و قرارداد های اسارتبار موقت حمایت کنیم!

*** برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

*** "جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>